

آذربایجان

بیانیه فرقه دموکرات آذربایجان به مناسبت

۲۰ ژانویه

جریان نوسازی اتحاد شوروی به حس خشم و اعتراض در میان توده های رهبری گورباچوف و اتخاذ سیاستهای نادرست و بی اعتنائی آشکار نسبت به سرنوشت مردم، باعث برانگیخته شدن خواسته و از مرکز خواستار پایان دادن به ادعاهای ارضی ارمنستان بودند و اعلام کردند که، در صورت عدم برآوردن خواستها، آذربایجان از ترکیب اتحاد شوروی خارج شده و استقلال خود را اعلام خواهد داشت.

ادامه در صفحه 2

جنگ و انقلاب (روسیه و چین)

روسیه - قرن ۲۰ شاهد دو جنگ ویرانگر جهانی و دو انقلاب بزرگ در اروپا و آسیا بود. در واقع جنگ و انقلاب مکمل یکدیگر شدند. جنگ زمینه انقلاب شد، انقلابی که از لحاظ تنوریک تنها در کشورهای شد یافته ای امکان پذیر است.

کمون پاریس، اولین انقلاب بود که در اواسط قرن ۱۹ (۱۸۷۱) بعد از شکست فرانسه در جنگ با آلمان، پیروز شد و حکومت طبقه کارگر را بوجود آورد. اما هم دولت پیروزمند آلمان و هم دولت شکست خورده فرانسه، دست بهم دادند و کمون پاریس را سرکوب کردند. از آن تاریخ ۳۰ سال گذشت. در این مدت، سرمایه داری در اروپای غربی تثبیت شد. بدین وسیله زمینه برای انقلاب سوسیالیستی در کشورهای رشد یافته از بین رفت. در اوایل قرن ۲۰ سکوت بهم خورد، ثبات شکاف برداشت، آژیر جنگ به صدا در آمد. جهان با خطر جنگ مخرب روبرو شد. جنگ از جانب آلمان راه افتاد، گسترش یافت و سراسر اروپا را در گرفت. زمینه برای انقلاب نه در کشورهای صنعتی بلکه، در روسیه عقب مانده، کشوری که هشتاد درصد اهالی آن دهقانان فقیر و بی سواد، هفت تا ده درصد، کارگر، پنج تا شش درصد، طبقه میانه حال تشکیل میداد، فراهم گردید.

ادامه در صفحه ۴

پان ایرانیزم و شونیزم...

در مقاله قبلی پان را تعریف کردیم و دیگر احتیاجی نیست که در اینجا تکرار شود. لذا اندکی در مورد مفهوم ایران بحث می کنیم.

ایران در لغتنامه ها به معنی محل زندگی آریانیها آمده است. یعنی سرزمینی که آریانیها در آن اسکان دارند. اما معلوم نشده است که کلمه ایران آریانیها منشاء گرفته است یا نه؟ اگر منشاء در عبارت آریانیها دارد، پس این سرزمین پیش از آمدن آریانیها چه نامی داشته است؟ ممکن است آریانیها بعد از آمدن به این سرزمین این نام را یافته اند، یا اصلاً عبارت آریا ساخته شرق شناسان غربی است که متداول گشته است.

ادامه در صفحه

----- در این شماره -----

- * باتلاق عراق بلاگردان ایران..... ۶ / ص
- * مهاجرته فرقه نین یاشاماسینا خدمت اندنلر..... ۷ / ص
- * لیبرالیسم و چشم انداز تاریک و تباه آن..... ۹ / ص
- * کودکان بی سرپرست، مقصر کیست..... ۱۰ / ص
- * حافظین شعرینده مغان و آراز..... ۱۱ / ص

ادامه بیانیه فرقه دمکرات آذربایجان..

رهبری وقت اتحاد جماهیر شوروی نیز برای مقابله با اعتراضاتی که در راه توسعه بیشتر حق و عدالت در جمهوری به راه افتاده بود، سیاست سرکوب آشکار برگزیده بود. با اعزام نیروهای کمکی ارتش به باکو، نیروهای ویژه پلیس، و بخش وسیعی از نیروهای نظامی داخلی در تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۹۰ و در نتیجه

تیراندازیها، در شب بیستم ژانویه ۱۳۳ نفر در باکو کشته، بیش از ۳۷۰ تن زخمی و ۳۲۱ نفر ناپدید شدند. طی روزهای بعد نیز در باکو و چند شهر دیگر جمهوری، ۹ شهروند غیرنظامی آذربایجان توسط نظامیان به قتل رسیدند.

فاجعه ۲۰ ژانویه که، برای هم کوبیدن عزم و اراده مردم بپا خواسته و تحقیر غرور ملی پدید آمد، به عنوان یکی از گسترده ترین جنایات رهبران نوسازی در تاریخ ثبت شد. سرکوبی مردم غیر نظامی که خواهان حقوق قانونی خویش بودند و به قتل رسانیدن و مجروح کردن صدها انسان بی گناه، ماهیت گارباچوف به عنوان رهبر پروسترویکا(نوسازی) را بار دیگر به جهانیان نشان داد.

فاجعه ۲۰ ژانویه، به شکلی آگاهانه تحریف و سعی می شود این حوادث به دست فراموشی سپرده شود. به گونه ای که حتی پس از کسب استقلال آذربایجان نیز تا مدتها دیدگاه رسمی در مورد حادثه خونین ژانویه تغییر نیافت. تنها در سال ۱۹۹۴، حادثه ۲۰ ژانویه از نظر سیاسی - قانونی کاملاً به رسمیت شناخته شده، جایگاه و ماهیت آن در تاریخ آذربایجان مشخص گشته و اسامی برنامه ریزان و مجریان بلا واسطه این حادثه افشا شد.

ملت آذربایجان اگرچه در روز ۲۰ ژانویه آماج تجاوز نظامی، سیاسی و معنوی قرار گرفت، لکن پایبندی به سنتهای تاریخی قهرمانانه خویش، و آمادگی خود برای سینه سپر کردن در مقابل سخت ترین آزمونها و حتی شهادت در راه آزادی و استقلال وطن را به همه جهانیان نمایاند. فرزندان غیور آذربایجان که در روز ۲۰ ژانویه ۱۹۹۰ در راه آزادی و استقلال آذربایجان قله های شهادت را فتح کردند، با فداکاری و شهادت خویش، برگ زرینی به تاریخ قهرمانی این ملت افزودند.

فرقه دمکرات آذربایجان، امروز نیز به داشتن فرزندان که در راه پاسداری از عزت و سربلندی وطن از بدل جان خود دریغ نمی ورزند، افتخار می کند و یاد جان باختگان این حادثه را گرامی می دارد.

فرقه دمکرات آذربایجان

ادامه یان ایزانیزم...

امروز طرفداران شونیزم فارس در حاکمیت نظام جمهوری اسلامی در میان اصلاح طلبان حکومتی و خارج از حاکمیت، همچنین در میان دگر اندیشان چپ و راست دیده می شوند. شاه پرستان و سلطنت طلبها از اول پیدایش سلسله پهلوی با این طرز تفکر به میدان آمدند و هنوز هم به آن وفادار هستند.

در قانون اساسی انقلاب مشروطیت حقوق ملتها در نظر گرفته شد، اما در عمل فراموش گردید. در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی این امر کم رنگ تر از قانون اساسی مشروطیت ثبت گردید. در زمان دولت آقای خاتمی امکان مختصری برای رشد زبان و فرهنگهای ملل غیر فارس بوجود آمد. ولی متأسفانه با روی کار آمدن دولت نهم آن اندک روزنه ها هم بسته شد. اکثر نشریات بزبان های آذربایجان و سایر زبانها تعطیل گردید.

با وجود این خلق زبان خود را نمی تواند فراموش کند. اگر امکان رشد و پرورش به شکل قانونی فراهم نباشد. مردم خود راه های گوناگونی پیدا می کنند، چنانکه همه ما در شرایط خفقان زبان خود را یاد گرفتیم. زیرا با مادر خود با زبان دیگری نمی توانستیم حرف بزنیم.

اگر چه اجازه استفاده از زبان مادری در مدارس و ادارات دولتی داده نمی شود، این زبان اما در بازارها، تکیه ها، خیابانها میدان وسیعی برای خود دارد، مجالس مذهبی و عزاداری نمی تواند بزبان دیگر غیر از زبان مادری برگزار گردد.

بقول سعیدی سیرجانی دیسچوتیسم دوران قرون وسطائی حافظ ها را به ما بخشیده است. اگر تمام درها بسته شود، مردم در لازم باز پیدا می کنند

م.م.تقی زاده

در انقلاب بهمن نیز به روحانیت فحش می دهند. هیچ فکر نمی کنند چرا و چطور یکدفعه ارتش و ساواک و سایر سازمانهای آنها ناکارآمد از آب در آمدند.

اما یان ایرانیزم در برخورد با خلقهای داخل کشور بطور عمد به دو شاخه تقسیم می گردد.

1- آنهائیکه تمام خلقهای ساکن این آب و خاک را

ایرانی می دانند. ترک، فارس، کرد، بلوچ، عرب و... از نظر آنها ایرانی هستند و برای همه آنها حق و حقوق قائل هستند. چنانکه در زمان امپراطوری های پیش از اسلام ساتراپیها بر اساس ملتها تشکیل شده بود و شاهنشاه هخامنشی فرمان خود را به 27 زبان صادر می کرد. اهالی ساتراپ ها برای آگاهی از فرمان شاهنشاه مجبور به یاد گرفتن زبان وی نبودند.

2- گروه دوم آنهائی هستند که ما آنها را شونیستههای فارس می نامیم. این گروه ادعا می کنند که آریائیها اصیل ترین و خون پاکترین ایرانی هستند. زبان و فرهنگ فارسی از آنهاست و این زبان فرهنگ یگانه و برحق ترین زبان و فرهنگ ایران و ایرانی می باشند.

آنها نمی توانند منکر شوند که آریائیها خود نیز به این سرزمین آمده اند. اما قبل از آمدن آریائیها این سرزمین خالی از سکنه نبوده است. در این مورد کم لطفی می کنند. دولتهای بعدی نیز اقوامی بودند که به این سرزمین آمده اند. ترکهای غزنوی و سلجوقی از آن جمله اند که دولتهای بزرگی نیز تشکیل داده اند و در ساختار جمعیت این آب و خاک تأثیر گذاشته اند.

این طرز تفکر بنابه مصلحت زمان، در زمان رضا شاه به شدت تبلیغ گردید و تلاش شد که یک ملتی بنام ملت ایران از نظر زبان و فرهنگ و حتی شکل ظاهر لباس بوجود آید. بنابر این به نفی تمام زبانهای غیر زبان فارسی دست زدند و لباسهای محلی را توسل به زور به کت و شلوار تبدیل کردند.

در همان زمان فرهنگستانی نیز بوجود آمد که کلمات غیز فارس از زبان فارسی خارج شود که در عمل با شکست مواجه شد. اگر می خواستند این عمل را به سرانجام برسانند، می بایست زبان ادبی سنائی، سعدی، حافظ، جامی و نظامی را از زبان و ادبیات ایرانی حذف می کردند.

کلمه ایران امروزه دارای مفهوم جغرافیائی و سیاسی را دارد. در متون کلاسیک ایرانی از جمله شاهنامه به مفهوم جغرافیائی آمده است. در آن متون، مرز این سرزمین معلوم نیست. اما در مفهوم جغرافیائی مدرن فلاتی از دریای مدیترانه تا مرز هندوستان (در غرب و شرق) و از شمال تمام قفقاز و ماوراء النهر را به این نام معروف است.

در این سرزمین بطور طبیعی تا آمدن آریائیها تمدنهای گوناگونی وجود داشته است. آنها دولتهای مترقی زمان خود را نیز تشکیل داده بودند. چنانکه در بین الیهین عهد باستان بیست و چند دولت در زمانهای مختلف موجود بوده است. ما در سرزمین آذربایجان فعلی و ایلام در خوزستان فعلی موجود بوده است.

در نواحی شمالی ایران امروزی نیز کادسها، آماردها، کاسپیها و غیره تا حال در تاریخ شناخته شده اند.

اما امپراطوری هخامنشی که با غلبه پارس به دولت مادها بوجود آمد. نیرومندترین دولتی است که برای اولین بار در این سرزمین تشکیل یافته است. میدانیم که این امپراطوری بوسیله اسکندر مقدونی سرنگون شد. و بعدا دولت هلنی بوجود آمد و سپس اشکانی و ساسانی به ترتیب آمدند و جای خود را به اعراب دادند. بعد از استیلای اعراب در این سرزمین دولتهای گوناگونی تشکیل یافتند. قصد ما در اینجا توضیح همه آنها نیست. در حال حاضر در سرزمین امپراطوری هخامنشی شاید بیش از ده دولت وجود دارد که عضو جامعه بین المللی می باشند. و با معیارهای امروزی کشورهای مستقل به شمار می روند.

اما بر گردیم به ایران بعنوان مقوله سیاسی که در این اواخر مفهوم امروزی خود را پیدا کرده است. بنابر مفهوم امروزه ایران شامل دولتی است در چهارچوب مشخص دیگر نمی تواند شامل آن سرزمین عهد باستان باشد.

مفهوم یان ایرانیزم یعنی آقائی ایران بر دیگران، این کلمه دیگر کمی مرکب است. این طرز تفکر محصول قرن بیستم است. از اندیشمندان این طرز تفکر می توان سید حسن تقی زاده، میرزا فتحعلی آخوند اف، محمد امین رسول زاده و مہم خان، میرزا آقاخان کرمانی در زمان مشروطیت نام برد. بعد بوسیله مجله کاوه و ایرانشهر رشد و گسترش یافت.

این اشخاص در زمان خود از متفکرین با نام و مترقی بودند. در راه پیشبرد نظرات خود به شدت مبارزه کردند و ناملائیهای زیادی را متحمل شدند.

از ویژگیهای این طرز تفکر ضد عرب بودن آن است. به نظر آنها غلبه اعراب عظمت ایران باستان را بر باد داد. اگر اعراب به این حمله دست نمی زدند و ما در یک شرایط ایده الی زندگی می کردیم. متأسفانه هیچوقت زحمتی در تحلیل علت دستیابی اعراب به ایران و شکست ارتش ساسانی نمی کشند. در مقابل سایر حملات خارجی نیز همینطور برخورد می کنند. حتی

روابط میان ملتها نیز شکل بحرانی به خود گرفت. زیرا در روسیه اقوام و ملل غیر روس بیشتر از روسها، یعنی ملت حاکم بودند. بموجب آمار دقیق ۱۸۹۱ ملل غیرروس به ۱۴۶ زبان تکام میکردند. در چنین شرایطی بود که انقلاب از غرب صنعتی به شرق عقب مانده نقل مکان نمود.

در اوایل قرن ۲۰ جنگ میان ژاپن و روسیه در گرفت. روسیه در این جنگ شکست خورد. انقلاب سالهای ۱۹۰۷-۱۹۰۵ سراسر روسیه بویژه، پترگراد و مسکو را فرا گرفت. گرچه انقلاب اول با شکست روبرو شد. اما، انقلاب دوم با شکست روسیه در جنگ جهان اول در سال ۱۹۱۷ پیروز شد. این پیروزی تاریخی جهان را به لرزه در آورد و ساختمان جهان نو را بنا نهاد. بنا به تعبیر جان رید، روزنامه نگار انقلابی آمریکائی، «ملت» روس جهانی را در روی زمین بنا نهاد که، در هیچ گوشه ای از آلمان پیدا کردنش امکان پذیر نیست. در چنین جهانی، مرگ خود خوشبختی است». وی، در روسیه شوروی مرد و درکنار دیوار کرملین و در میان بانیان انقلاب به خواب ابدی فرو رفت.

در پیروزی انقلاب روسیه چند عامل (داخلی و خارجی) تاثیرگذار بود. عامل خارجی در این میان، نقش مؤثرتری ایفا

نمود. به این معنی که شرکت روسیه در جنگ جهانی اول و شکست آن در این جنگ، تضاد میان مردم و هئیت حاکمه را شدت بخشید. حلقه ضعیف زنجیران تضاد پاره شد. روسیه در ادامه جنگ کنار رفت. حکومت انقلابی، مقاومت طبقات سرنگون شده را در هم کوبید و برای تحکیم قدرت سیاسی به جنگ روانی و سیاسی در درون حاکمیت پایان داد. برنامه صنعتی کردن کشور دهقانی و کشاورزی، با موفقیت کامل اجرا شد. بی سوادى از میان رفت علم و دانش راه ترقی و تعالی را به شکل برق آسایى نمود. موضع دفاعی روسیه شوروی استحکام یافت. در جنگ جهانی دوم، در برابر تهاجم دشمن، مقاومت نمود. در

نهایت امر، دشمن را از پای در آورد، پیروزی را از آن خود ساخت و حکومت توده ای در اروپا به قدرت رسید. چهل سال مردم عادى، تولید کنندگان ثروت ملی، صاحب واقعی خانه خود شدند.

چین - با شرکت شوروی در جنگ علیه ژاپن، پیروزی متفقین در خاور دور و جنوب شرقی آسیا تسریع شد و این

پیروزی سر آغاز تحول عمیق و ریشه ای در منطقه گردید. مردم چین بعد از صد سال سرخوردگی در برابر تسلط استعمار به نیروی فعال مقاومت تبدیل گردید. برای تامین استقلال و برقراری حکومت مردمی شرایط مساعدی فراهم گردید. در نیمه اول قرن ۲۰ قسمت اعظم اراضی چین از جمله ایالت منچوری از جانب میلیتاریستهای ژاپن اشغال شد. مردم چین در مقابل اشغالگران آرام نگرفتند، نهضت رهایی بخش پا گرفت و گسترش یافت. علیرغم جنگ طولانی ۵۰ ساله، حکومت توده ای در کشور پهناور آسیائی استقرار یافت.

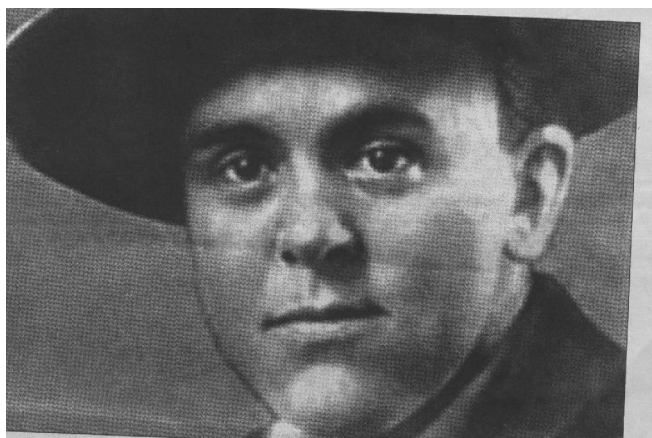
نیروهای ترقیخواه و انقلابی چین در این نبرد نه تنها از تجربیات انقلاب روسیه شوروی بهره مند شدند، از کمکهای نظامی و سیاسی شوروی نیز برخوردار شدند. تسلیم ژاپن در برابر ارتش ظفرمند شوروی در تابستان سال ۱۹۴۵، نقش تعیین کننده ای در تسریع پیروزی انقلاب ایفا نمود.

راه و روش سازندگی در روسیه و چین

تئوری انقلابی در هر دو کشور راه خاص خود را پیمود. شوروی نقشه ساختمان جامعه عدالتخواه را روی کاغذ سفید ترسیم نمود. راهی را در پیش گرفت که، در هیچ جای دنیا تجربه نشده بود.

بدین سبب، هم در سطح کشور، هم در سطح رهبری حزبی و دولتی، با مشکلات تئوریک مواجه گردید. چنانکه حل این مشکلات، با اعمال قهر امکان پذیر شد.

چین راه دیگری را در پیش گرفت. در ساختمان جامعه



جان رید

غیر سرمایه داری، بویژه در تعاونی کردن کشاورزی، از اعمال رویه افراط در امان نماند. رهبری چین در رابطه با شوروی و در ارزیابی شخصیت استالین، راه و روش خصمانه ای در پیش گرفت. شوروی را به تجدید نظرطلبی متهم ساخت.

.... تحت پوشش انقلاب فرهنگی، کادرهای بلند پایه و سرشناس را از صحنه سیاست و اداره امور مملکتی کنار زد. برای تربیت فیزیکی، به نقاط دور افتاده تبعید نمود. جوانان رادیکال تحت نام گارد سرخ با در دست گرفتن کتابچه حاوی سخنان مائو تسه دونگ، زندگی را فلج نمودند. برای مبارزه با تجدیدنظرطلبان شوروی، سفارت این کشور را ماهها محاصره کردند.

در دهات کمونهای اقتصادی و نظامی تشکیل گردید. روستائیان، شب و روز کار کردند و در ازای آن، یک شکم غذا دریافت نمودند. بدین ترتیب، سیستم برابری کمون اولیه ماقبل تاریخ، اقتصاد چین را با رکود بی سابقه ای روبرو ساخت. مرگ مائو تسه دونگ امکان داد دتن شیائو پینگ، یکی از رهبران مغضوب دوران حاکمیت مائو، به حاکمیت برگردد و با تغییر رادیکال، مسیر سیستم اقتصادی و سیاسی عوض شود، کمونهای روستائی جای خود را به سیستم اجاره داری زمین دهد. تعاونیهای خانوادگی تشکیل گردد و از این طریق، تولید محصولات کشاورزی افزایش یابد.

رفرم نه تنها اقتصاد کشاورزی، بلکه، کارگاهها و کارخانه های تولیدات صنعتی را در بر گرفت. سرمایه خصوصی (داخلی، بویژه خارجی) امکان پیدا کرد با استفاده از کار ارزان، مواد خام ارزان، بازار وسیع داخلی تولیدات صنعتی، بویژه، در تولیدات محصولات مصرفی دراز مدت، به شکل بی سابقه ای افزایش یابد و بازار جهانی را تسخیر کند.

سیاست جدید اقتصادی دتن شیائو پینگ، صحت نظریه همگرایی گولبرایت، اقتصاددان سرشناس آمریکائی را به اثبات رساند. همگرایی دو سیستم اقتصادی سرمایه داری و سوسیالیستی را با هدایت واحد دولتی متکی به اقتصاد بازار، رشد جهش وار و اعجازآمیز اقتصاد چین را تامین نمود و جهان را حیرت زده کرد و احکام منجمد تنوری مربوط به عقب ماندگی جهان سوم را زیر و رو کرد. چین در عرض ۲۰ سال (۲۰۰۰-۱۹۸۰)، راه صد ساله را پیمود. ارقام زیر، آئینه ترقی در چین است:

۱- در این مدت، زندگی مردم چین ۲۲ بار بهتر گردید.

۲- درآمد سرانه روستائیان ۵۴ بار افزایش یافت.

۳- شمار اهالی کم درآمد از ۵۳ درصد به ۸ درصد تقلیل یافت.

سال ۱۹۷۹، سال آغاز رفرم در چین است. رهبری چین در آغاز رفرم، برنامه رشد اقتصادی سه مرحله ای تنظیم نمود و آنرا به مرحله اجرا در آورد:

در مرحله اول (۱۹۸۰-۱۹۹۰)، تولید ناخالص ملی بر برابر شد. در این مرحله، مسئله تامین اهالی با غذا و لباس حل شد. در مرحله دوم؛ (۱۹۹۱-۲۰۰۰) تولید ناخالص ملی سه بار افزایش یافت. این افزایش امکان داد مردم چین به مرحله متوسط زندگی دست یابند. اکنون مرحله سوم رفرم در حال اجرا شدن است. در این مرحله، مدرنیزاسیون اقتصاد ملی و در موازی با آن، مدرنیزاسیون کشور پایان خواهد یافت. برنامه تبدیل سیبری و خاور دور به اقتصاد جنبی چین، با موفقیت اجرا می شود.

روسیه شوروی

شوروی برخلاف چین اقتصاد قدرتمند، تکنولوژی مدرن داشت. شوروی هم از لحاظ اقتصادی و هم از حیث نظامی، دومین کشور قدرتمند جهان به شمار می آمد. شوروی بر خلاف چین، مردم دانا و با سواد داشت. اما غیر از استالین، رجال توانا نداشت. در عرض ۳۰ سال حکومت استالین، امپراطوری روسیه به اوج عظمت رسید. دوستان را به وجد آورد و دشمنان را رعب و وحشت زده ساخت.

بعد از مرگ استالین در شوروی، خلا شخصیت (قحط الرجال) بوجود آمد. این خلا هیچوقت پر نشد. ۳۰ سال چرخ ماشین دولتی باقی مانده از دوران استالین لنگ لنگان راه خود را پیمود، بتدریج فرسوده شد و از کار افتاد.

کسانی مانند خرشچف و برژنف، تقریباً ۳۰ سال ناخدائی این کشتی اقیانوس پیما را در دست ناتوان خود نگاه داشتند. بعد از آنها، با دست لرزان گورباچف به قعر اقیانوس فرو رفت.

روسیه تاریخ پر پیچ و خم هزار ساله دارد. امپراطوری روسیه در اوایل قرن ۱۸، در دوران حکومت پتر کبیر، پایه ریزی شد و در سالهای حاکمیت استالین، شخصیت بزرگ گرجی تبار، به اوج قدرت رسید و بالاخره، در نتیجه فقدان شخصیت توانا در روسیه ابر قدرت جهانی خلع قدرت گردید.

از همه این حوادث عبرت آمیز تاریخی میتوان به این نتیجه رسید که شخصیت در تاریخ و در ساختن تاریخ نقش تعیین کننده ای دارد. زیرا جامعه بشری، به رهبر و توده مردم تقسیم شده است. فقدان رهبری، آهنگ زندگی جامعه را بهم می زند. روح انسانیت را از کالبد انسان برون می کشد و راه برای تسلط توحش باز می شود.

قرن ۱۹ و ۲۰ عالی ترین مرحله سازمان یافتگی جامعه بشری است. در این قرن است که تفکر انسان به عالی ترین مرحله رشد رسیده است. انقلاب در علم و صنعت حاصل انقلاب در اندیشه است.

باتلاق عراق، بلاگردان ایران

میتواند همکاری ایران با کشورهای ضد امپریالیستی مثل ونزویلا و بلاروس باشد. در عین حال، مفهوم این گزارش عبارت از این است که، علیرغم، اصرار آمریکا و متحدان اروپائی آن بر گسترش دامنه تحریمها و افزایش فشارها بر علیه ایران، به این زودیهها، مسئله تحریمهای بین المللی بر علیه این کشور، در شوروی امنیت سازمان ملل متحد مطرح نخواهد شد و تشدید نخواهد یافت.

حال، این سؤال مطرح می شود که، با توجه به سیاست خصمانه آمریکا بر علیه ایران، چرا این گزارش، بدین صورت غیرمنتظره، انتشار یافت؟ مگر تا همین دیروز اخبار مختلفی از برنامه حمله آمریکا به ایران شنیده نمی شد؟ اما اکنون به یک باره، بر همه بهانه ها خط بطلان می کشند. این موضوع از نظر ما چند دلیل عمده دارد:

- شکست نظامی - سیاسی آمریکا و متحدانش در افغانستان، بویژه در عراق، به عبارت دقیقتر، باتلاق عراق، بلاگردان ایران شد،
- افزایش تلفات نظامیان آمریکائی و سنگینی هزینه های نظامی بر بودجه این کشور،
- شکست طرح "خاورمیانه بزرگ" آمریکا که، این امر، در دیدار آنابولیس نیز به شدت خودنمایی کرد،
- بحران شدید اقتصادی در جبهه کشورهای پیشرفته سرمایه داری، بخصوص در آمریکا و کاهش ارزش برابری دلار در مقابل دیگر ارزهای معتبر بین المللی، از جمله یورو،
- افزایش میزان بدهی آمریکا و بحران در بورس مسکن آمریکا،
- مسئله انتخابات رئیس جمهوری آمریکا در سال آتی و احتمال شکست قطعی جمهوریخواهان،
- احتمال توانائی مقابله نظامی ایران،

- و در نهایت، و از همه مهمتر، مبارزه نیروهای صلحدوست ایران و جهان بر علیه سیاستهای جنگ افروزانه و تجاوزگرانه آمریکا و مقابله با رجزخوانیهای ایران را می توان مهمترین عواملی به حساب آورد که، موجب انتشار گزارش ۱۶ سازمان اطلاعاتی آمریکا، مبنی بر غیرنظامی بودن برنامه هسته ای ایران، گردید.

آمریکائیهها تصمیم گرفتند خود را در باتلاق دیگری مشابه باتلاق عراق گرفتار نکنند. یادآوری کنیم، زمانی که، در سال ۲۰۰۳، پیش از آنکه آمریکا، کشور عراق را به بهانه وجود سلاحهای کشتار جمعی به اشغال نظامی خویش درآورد، در رسانه های جمعی به تبلیغات گسترده ای در مورد وجود چنین سلاحهایی در این کشور پرداخت. اما آمریکائیهها، پس از اشغال نظامی عراق، در وضعیت بسیار سختی قرار گرفتند، بویژه، زمانی که، ماهها جستجوی سلاحهای جمعی نتیجه دلخواه آنها را نداد.

در گزارش منتشرشده از سوی ۱۶ سازمان اطلاعاتی آمریکا آمده است که، نویسندگان گزارش اصرار زیادی دارند که، جمهوری اسلامی در پاییز ۲۰۰۳، در برابر فشارهای بین المللی، برنامه ی تولید سلاح هسته ای خود را متوقف کرد اما، همچنان به غنی سازی اورانیوم ادامه داد. نویسندگان گزارش همچنین اطمینان نسبی داده اند که، جمهوری اسلامی با مشکلات فنی زیادی روبروست و تا سال ۲۰۱۰ - ۲۰۱۵ به آن میزان از اورانیوم غنی شده که برای تولید سلاح هسته ای نیاز است، دست نخواهد یافت. در واقع، آمریکائیهها به زبان دیگر اعتراف کردند که، برنامه اتمی ایران جنبه نظامی ندارد. یادآوری کنیم که، سازمان ملی برآوردهای اطلاعاتی آمریکا، دو سال پیش در گزارشی بر تلاش جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به سلاح هسته ای تاکید کرده بود.

بدین ترتیب، آمریکا که، علیرغم اعلام آژانس بین المللی انرژی اتمی، مبنی بر اینکه در برنامه هسته ای ایران به هیچ نشانه ای از جنبه نظامی دست نیافته است، همچنان با تبلیغات و اصرار در مورد جنبه نظامی برنامه هسته ای این کشور، در واقع، چند سال بیهوده وقت تلف کرد.

اینک آمریکا، حرفهای خود را پس گرفت. در گزارش مایکل ماکونل، مدیر انجمن اطلاعات ملی، که بخشی از آن تحت عنوان «ایران، امکانات و اهداف هسته ای»، علنی شده است، گفته می شود: «تهران برنامه ساخت سلاح هسته ای خود را در سال ۲۰۰۳ متوقف ساخت. نویسندگان گزارش معترفند که، کارشناسان آمریکائی خطر ایران اتمی را بیش از حد بزرگ کردند. تصمیم ایران مبنی بر متوقف کردن برنامه ساخت سلاح هسته ای نشان داد که، این کشور، برخلاف تصورات آمریکا، علاقه چندانی به تولید بمب اتمی ندارد.»

لازم به ذکر است که، همه اینها از اول هم روشن بود. آژانس بین المللی انرژی اتمی هم، از مدتها پیش، عدم خطر هسته ای از طرف ایران را اعلام کرده بود. اما، آمریکائیهها همچنان به تشنج آفرینی، شانتاژ، افزایش فشارهای اقتصادی و تهدید به مداخله نظامی بر علیه تهران ادامه دادند. هدف اصلی آمریکا متوقف کردن غنی سازی اورانیوم ایران نبود، بلکه، اعمال سلطه اقتصادی و سیاسی بر آن، جزء اصلی برنامه همیشگی آمریکا بوده و هست. و یکی از دلایل دیگر این هم،

مهاجرده فرقه نین یاشاماسینا خدمت ائندلر اونودولما یاجاقدیر

- بی ایله، آزادلیغا اینامی ایله فدائیلرین صداقتله یاشاملارینا تاثیر ائتمیشدیر. آذربایجان دموکرات فرقه سی فخر ائدیگی، اونون سیرالاریندا آذربایجان خالقینین آزادلیغینا، اونون ملی مقدراتی نین الده اندیلمه سینه چالیشان غلام حسین خان اوسانلو کیمی عضولری وار ایدی و گله جکده اونون شرفلی مبارزه سینی دوام ائتدیرن خانلار اولاجاقدیر.

۲۰- فونوی حسن نورالله اوغلو 1946 - نجی ایلهده بیر فرقه کادری کیمی سوونت آذربایجانینا مهاجرت ائتمیشدیر. فونوی حسن مهاجرت گن گوندن عومرونون آسونونا قدر 80 یاشی اولان زماندا قاسیم اسماعیل اوف رایون کمیته سینده فرقه نین اجتماعی ایشلرینده وار قوه سیله چالیشمیشدیر. فونوی حسن حوزده صدی، شعبه مدیرلی و اوزون ایللر قاسیم اسماعیل اوف رایون کمیته سینین صدی ایشلمیشدیر. او، بوتون ایشلره چوخ صداقتله، قایغی ایله یاناشدیغی اوچون اونو فرقه عضولری و سیاسی مهاجرلر چوخ سویردیله. فونوی اوزو ایله برابر اوشافلارین و نوه لرینده فرقه نین اجتماعی ایشلرینه جلب ائتمیشدیر. فونوی وفات ائتدیکن سونرا اوغلو فونوی جمشید فرقه نین گورانوبی رایون کمیته سینین صدی ایشله بیر. ائله جه ده فونوی نین نووه لریده فرقه نین عضولری اولموش، اونون اجتماعی ایشلرینده فعال چالیشیرلار. فونوی حسن نین حرکت لری، قایغی کشلیگی، آزادلیق اولان اینامی سیاسی مهاجرلرین فرقه اطرافیندا بیرلشمیرینه کؤمک ائتمیشدیر. قاسیم اسماعیل اوف رایون کمیته سینده چوخلو فرقه عضولری فرقه نین وارلیغی اوچون بوتون گوجلرینی صرف ائتمیشلر.

۲۱- دهقانی غلامحسین فرضی اوغلو 1946 - نجی ایلهده بیر فدائی کیمی سوونت آذربایجانینا مهاجرت ائتمیشدیر. اونون آتاسی فرضی دهقانی 10 ایل انقلابی فعالیتت ایله علاقه دار رضا شاه طرفیندن حبس ائدیلمیش 10 ایل قصر قاجار زیندانیندا قالمیشدیر. غلامحسین انقلابی عائله ده بؤیودوب اوچون مهاجرت گن گوندن فرقه نین سیرالاریندا فعالیت ائتمیشدیر. او، گنجه پیداکوژی اینیستوتونو قورتاردیقان سونرا قوبا رایونون ۱۲نمره لی میوه چیلیک ساوخوزوندا معلم ایشلمکله برابر فرقه نین اجتماعی ایشلرینده چالیشمیشدیر. او حوزده صدی، رایون کمیته سینین شعبه مدیری و سونرا فرقه نین قوبا رایون کمیته سینین صدی اولموشدور. دهقانی غلامحسین فرقه نین کنفرانس لارینین نماینده سی اولموش، مرکزی کمیته سینین تفتیش کمسیونون عضو و مرکزی کمیته نین عضو سئچلمیشدیر. دهقانی عومرونون آخیرینا قدر آذربایجان دموکرات فرقه سی مرکزی کمیته سینین عضو و قوبا رایون کمیته سینین صدی اولموشدور.

آردی ۷- جی صحیفه ده

کئچن نمره لریمیزده قید اولوندوغو کیمی مهاجرتده 60 ایلدن چوخ آذربایجان دموکرات فرقه سینی قورویوب ساخلاماق، اونون آدینی تمیز ساخلاماق، فعالیتینه ایمن یاراتماق یالنیز فدائی آدینی اوزرینه گوتورن آدمالار باجاریلار. اولکی نمره لریمیزده قید اولونموشدیر کی، فدائی آدی او آدمالارا وئریمیشدیر کی، اوز خالقینین آزادلیغی و اوغروندا قربان گنتمه یه حاضر اولورلار. اونلار بوتون چتینلیکلری قبول ائتمکله، سوادلانیب، شرایطه اویغون آزاد اولماق یوللارینین حیاتا کئچیریلمه سی نظریه سینی ده اویره نیرلر.

آذربایجان دموکرات فرقه سینین عضولری 60 ایلدن آرتیق مهاجرت دؤورونده فرقه نین یاشاماسی اوچون یوللار آختارمیش، آذربایجان دموکرات فرقه سینه، 21 آذر حرکاتی نتیجه سینده یارانمیش آذربایجان ملی حکومتینه، اونون دشمنلری طرفیندن آتیلان بهتانلاری رد ائتمه یی باجاریمیشلار. اونلار آذربایجان دموکرات فرقه سینین اورقانلاری اولان «آذربایجان» روزنامه سی، «آذربایجان» مجله سینی و یوزلرله کتاب، و کتابچالاری نشر ائتمکله، فرقه یه آتیلان بهتانلاری منطقی صورتده رد ائتمکله، آذربایجان خالقینین اوز حوققلارینی الده ائتمک اوغروندا آپاردیقاری مبارزه نین دوغرو اولماسینی ثبوت ائتمیشلر.

بو یوللا اوز قلملری و تشکیلاتچیلیق باجاریقلاری ایله خدمت ائندلرین بعضی لرینین آدلارینی قید ائتمک له اونلارین روحو قارشیسیندا اوز بورجوموزو وئریمیش اولاریق:

۱۸- ذکائی بهلول محمد آقا اوغلو بیر فدائی کیمی 1946 - نجی ایلهده سوونت آذربایجانینا مهاجرت ائتمیشدیر. او، فرقه نین اجتماعی ایشلرینده چالیشماقلا، عالی تحصیل آلمیش، 1958 - نجی ایلدن آدف نین داشکسن، آغام، شکی رایون کمیته سینین و باکی شهر کمیته سینین صدی اولموشدور. عین زماندا آدف نین مرکزی کمیته سینین و اجراییه هیئتی نین عضو اولموشدور. عومرونون آخیرینا قدر فرقه نین وارلیغینا چالیشمیشدیر.

۱۹- آذربایجان ملی حکومتی نین فدائی باشچیسسی خمسه محالی نین خان غلام حسین خان اوسانلو آذربایجان خالقینین آزادلیغی یولوندا خانلیغین، املاکین من دئیردیم عائله سین قربان وئریمیشدیر. عشق اولسون بنله آذربایجان خالقینین ایگید اوغوللارینا کی بوتون وارلیغی خالقین آزادلیغینا قربان وئریمه حاضر اولورلار.

غلام حسین خان اوسانلو مهاجرت دؤورونده ده آذربایجان دموکرات فرقه سینین یاشاماسینا خدمت ائتمیش دیر. او اوله نه قدر آذربایجان دموکرات فرقه سینین گنجه شهر کمیته سینین عضو اولموش، فرقه تقاعدی آلمیش، اوزونون روح یوکسکلی

مهاجرته فرقه نین یاشاماسینا خدمت اندنلر

ونون فرقه عضولری آراسیندا و سوادلی بیر معلم کیمی ضیالیلار آراسیندا حرمتی وار ایدی. قوبا رایون کمیته سینده فعال یولداشلردان تکلوی محمود محمد اوغلو، سلیمانی رضا قلی ولی جان اوغلو، مشکین چاپاغانی عزیز رحیم اوغلو، آزرمی پنی، شبوستری کاظم علی اوغلو، واحیدی حاتم احمد علی اوغلو، حسین فلاح عبدول مناف اوغلو، چراغ موغانی مهدقلی و اونلارلا بئله فعال یولداشلارین چالیشمالاری نتیجه سینده فرقه مهاجرته یاشاییر.

۲۲- جباری آقا علی مطلب اوغلو 1946- نجی بیر فدائی کیمی سوونت آذربایجانینا سیاسی پناهنده اولموشدور. او مهاجرته گلن گوندن فرقه یه صادق آدام کیمی اونون اجتماعی ایشلرینده فعال چالیشمیشدیر. حوزه صدرلی بیندن باشلامیش یولاخ فرقه تشکیلاتی نین صدری اولموشدور. اونون هم دولت تصرفاتیندا و همده فرقه نین اجتماعی ایشلرینده یاخشی چالیشدیقی، یولداشلارا ائندی یی قایغی نتیجه سینده بورادا فرقه نین نفوذی آرتمیشدیر. همده یولداشلار فرقه نین اجتماعی ایشلرینه جلب ائدلمیشدیر. بئله کی، فرقه تشکیلاتیندا رجبی غلامعلی، بالازاده عسکر، کوهی غلام عبدوالعظیم زاده برات، حسین زاده غلام کیمی فرقه نین فعاللاری یارانمیشدیر. اونلار فرقه نین وارلیغی اوچون بوتون چتین لیکلری قبول ائتمیشلر. اونلارین خدمت لری اونودولمایاجاقدیر.

23 - اسماعیل زاده علی حسین 1946 - نجی بیر فدائی باشچیسی کیمی سوونت آذربایجانینا پناهنده اولموشدور. او مهاجرته گلن گوندن هم سیاسی پناهندلر و همده بیئرلی تشکیلاتلار آراسیندا حرمت قازاندیغی اوچون فرقه نین اجتماعی ایشلرینی گوجلندیرمیشدیر. اونون فعالیتی و کادرلاری دوزگون حاضیرلادیغی نتیجه سینده علی بایراملی رایون کمیته سی همیشه قاباقجیل اولموشدور. اسماعیل زاده نین قایغی سی و فعالیتی نتیجه سینده علی بایراملی رایون کمیته سینده جوانلاردان یاخشی و تمیز فرقه کادرلاری یارانمیشدیر. بئله کی، حاضیردا 20 ایلدیرکه، علی بایراملی رایون کمیته سینده رهبرلیک ائدن قلی زاده والح رضا اوغلو اونون حاضیرلادیغی کادرلارداندیر. همین کادرلارین ایش باجاریغی و تشکیلاتا ایمانی سایه سینده علی بایراملی تشکیلاتی هیچ واخت ضعیف لمه میشدیر.

فرقه نین یاشاماسینا، خصوصیه مهاجرت زمانی اونون وارلیغی نی قوروپوب ساخلایان، قارشیدا دوران مبارزه یه اونون رهبرلی یی نی دوزگون هدفه حاضیرلایان کادرلارین خدمت لرینی آزدا اولسا ایشیقلا ندیرماق عمومی ایشلریمیزده فایداسیز قالمایاجاقدیر. اولارین خدمت لرینه قیمت وئرلیدیکجه بیئی کادرلارین عمله گلنه سینه تاثیر ائده جکدیر. آردی واردیر.

اردبیلی لطفعلی (فلکی)

اینکه، مقامات رژیم ایران سعی می کنند انتشار این گزارش را نتیجه پیروزی سیاستهای خود معرفی نمایند، جایی از اعراب ندارد. چرا که، سیاستهای رژیم حاکم ایران، چیزی جز رجز خوانیهای نامعقول نبود و همین سیاستها باعث شد که، شوروی امنیت سازمان ملل متحد دو قطعهنامه پیاپی ولی بی اساس، بر علیه ایران صادر نماید. تا جایی که، همین سیاستهای افراطی ایران، حتی کشورهای چین و روسیه را هم مجبور ساخت تا، به قطعهنامه های تحریم ایران رأی مثبت دهند و همین سیاستها بود که، باعث گردید تا روسیه در اجرای تعهدات خود برای راه اندازی نیروگاه اتمی بوشهر تعلل نموده و فعلا، از تحویل سوخت مورد نیاز این نیروگاه خودداری کند.

در ضمن، انتشار این گزارش بوش را نیز در وضعیت بسیار بدی قرار داد. بدین ترتیب، برنامه استقرار سامانه های ضد موشکی وی در جمهوری چک و لهستان نیز زیر سؤال می رود. بوش باید به این سؤال هم جواب دهد که، اگر خطری از سوی بمبهای هسته ای ایران متوجه آمریکا نیست، پس نصب این سامانه های چه لزومی دارد؟ بخصوص اینکه، "خطر" کره شمالی، پیشتر دفع و رفع شده بود.

در هر حال، انتشار این گزارش، باعث کاهش تشنج و خطر حمله نظامی آمریکا به ایران خواهد شد و زمینه مساعدی برای راه حل های دیپلماتیک فراهم خواهد ساخت.

ا. م. شیزلی

ادامه جنگ و انقلاب

هر روز، هر ماه و هر سال مدرن ترین سیستم فن آوری اختراع می شود. این اندیشمندان هستند که کیهان نوردی را در خدمت بشر قرار دادند و پرواز به کرات آسمانی را به امر عادی مبدل نمودند. همه این اختراعات در مسیر تکمیل تر نمودن ابزار کار بکار گرفته میشود. بعبارت دیگر اداره کردن جامعه بشری تنها به تکامل ابزار کار و از این طریق به تأمین زندگی رویائی قسمتی از انسانها بسنده می شود. اما در باره تکمیل روابط اجتماعی سخنی به میان نمی آید، برعکس، از هماهنگ شدن مناسبات اجتماعی بشکل تصنعی ممانعت بعمل می آید. بعبارت دیگر ثروت بشکل عادلانه تقسیم نمی شود. بدین وسیله، فقر و ثروت زمانی در برابر هم قرار میگیرد که امکان برون رفت از این بن بست موجود نیست.

چین برای بسیاری از کشورهای عقب مانده، الگوی مناسب و راه نسبتاً هموار است. الگوی چین از آن جهت قابل بررسی است که بکار گرفتن آن، موجب نارضایتی صاحبان ثروت نمی شود. برعکس ثروتمندان همه کشورهای جهان از این الگو با رضایت کامل استقبال می کنند و سرمایه خود را در چین بکار میگیرند. بدین وسیله هر دو طرف از این کار سود می برند. جایی که خالی است فقدان رجال توانا یعنی دتن شیائوپینگها در این کشورها است.

امیرعلی لاهرودی

لیبرالیسم و چشم انداز تاریک و تباه آن

رئیس جمهور روسیه، به استاندار ل. پولیژایوف و سیاستمداران دیگر فرستاده است، گفته می شود: «... کلچاک ها، چهار فرزند مادر بزرگم را در حمام گرفتار نمودند و در مقابل حمام، پدر بزرگ من، دیمیتری پتروف را با سرنیزه سوراخ- سوراخ نمودند، حمام را با کاه پر کردند و آتش زدند».

یو. گلیبوف، شهروند افتخاری اومسک هم، می نویسد: «کلچاک یک سال و نیم در اومسک حضور داشت. وی، بعد از خود، فقط، آثار خون و خرابی، توحش و تیربارانها را به جای گذاشت.

اما، در این میان مجلس قانونگزاری استان چه کار کرد؟ به پیشنهاد استاندار **پولیژایوف**، ۱۲ میلیون روبل از بودجه دولتی را برای تهیه فیلم دیکتاتور سیبری، اختصاص داد. (درست زمانی که، برای تأمین مسکن ساکنان خانه های رو به ویرانی، میلیاردها پول لازم است، فقط، ۸ میلیون روبل برای چنین برنامه مهم اجتماعی تخصیص داد). حتی، نمایشنامه ای را به افتخار وی به روی صحنه آورد و به نویسنده نمایشنامه مقرری تعیین نمود. در موزه مرکزی استان شعبه ویژه ای برای کلچاک باز کرد. همه جا از نیکی های آدمیرال سخن گفته می شود و کسی از خون ریزهای وی صحبت نمی کند. بر دیوار خانه ای که یک سال و نیم در آن زندگی کرده است، لوحه یادبودی نصب کرده اند که، در اعیاد و جشنها، نیروهای ویژه پلیس از آن حفاظت می کنند. فقط روزنامه های مترقی و برخی میهن پرستان درباره زندگی واقعی آدمیرال، مطلب می نویسند.

... وزرات فرهنگ استان، طی سه ماهی که فعالیتهاى خود را از کانون هنرمندان استان مخفی نگاهداشت، طرح ساختن مجسمه و برپائی آن را به پایان رساند. گفته می شود، محل آن نیز تعیین شده است.

در ضمن، دادگاه نظامی منطقه ای ماورای بایکال، بعد از رسیدگی به مسئله برانت آدمیرال، طبق قوانین روسیه در سال ۱۹۹۹، اعلام کرد: « **کلچاک** قابل تبرئه نیست. پرونده این مسئله به دادگاه عالی نظامی روسیه ارجاع شد که، این دادگاه نیز هیچ دلیلی برای برانت وی نیافت. دادستانی کل کشور و دادستان استان، س. کازاکوف نیز بعد از تحقیقات و رسیدگی های خود، به چنین نتیجه ای رسیدند.

ا. **ماکروشین**، رو به مأموران و مقامات دولتی گرفته و می پرسد: « آیا واقعا هم نفرت از کمونیستها شما را به چنین حدی از دناوت رسانیده است که، به مداحان جنایتکاران تبدیل شده و کار آنها را ادامه خواهید داد؟ آیا استاندار **پولیژایوف** و رئیس مجلس قانونگزاری استان، جناب **وارناوسکی**، جوابی برای این سؤال خواهند یافت؟ من که تردید دارم.

دیمیتری کوتینیوف،

خبرنگار ویژه پراودا در اومسک.

روزنامه «پراودا»، شماره ۱۴۵،

۲۸-۳۱ دسامبر سال ۲۰۰۷

برگردان: ا. م. شیزلی

ادامه در صفحه ۷

لیبرالهای وطنی، بر این امر اصرار می کنند که، دولت باید کمترین نقش را در اقتصاد کشور به عهده بگیرد و نباید برای نوسازی صنایع تولیدی زیربنائی و برای ارتقاء سطح فوق العاده پائین زندگی اکثریت مردم کشور سرمایه گذاری کند. این تفکر لیبرالی، بویژه پس از آنکه ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، دیمیتری مدودف، لیبرال مشهور، را به "جانشینی" خود برگزید، گسترش یافت.

سال ۲۰۰۸، ظاهراً می تواند سال رشد ایده های لیبرالیسم باشد. این موضوع، برخورد جدی و توضیح گسترده مواضع و برنامه های نیروهای چپ، بخصوص، آن بخشی از برنامه ها را که، مورد تأیید دانشمندان معتبر قرار گرفته است، ضروری می سازد.

ملی کردن معادن زیر زمینی، مهمترین مسئله روسیه امروز، می باشد. لغو مالیات "محدود" ۱۳ درصدی، برقراری تفکیکی آن و بستن مالیات تصاعدی بر درآمد نیز از اهمیت بزرگی برخوردار است. این مسئله، از یک طرف می تواند از مصرف انگلی "روسهای نوین" شدیداً جلوگیری نموده و از دیگر سوی، فاصله بین فقر و ثروت را کاهش دهد. فاصله ۴۰-۵۰ برابری بین ۱۰ درصد گروه ثروتمندان، گواه آن است که، کشور، در آستانه "عدم ثبات اجتماعی" کامل قرار گرفته است.

میخائیل روتکوویچ

عضو علی البدل آکادمی علوم روسیه

بزرگداشت کلچاک در آستانه سال نو و یا بی شرمی در مقابل

تاریخ

کلچاک چه کسی بود؟ وی آدمیرال تزاری، مایه امید نیروهای مداخله گر انگلیسی- فرانسوی- آمریکائی بود و در دوره جنگهای داخلی حاکمیت سیبری در دست گرفته بود. او در جریان جنگهای داخلی به نیروهای تحت امر خویش دستور داده بود: هر آبادی را که احتمال حضور یک بلشویک در آن برود، با خاک یکسان کنند. از هر تیر تلگراف به موازات راه آهن سراسری سیبری، یک بلشویک و یا هوادار آنها را آویخته بود. بلشویک ها و و یا هواداران آنها را در جنگلهای سیبری به درخت می بست تا زنده- زنده یا خوارک جانوران و حشرات شوند و یا از گرسنگی بمیرند... (**ایگور لیگاجف، جعلیات و حقایق شوروی**).

۲۲ دسامبر سال ۱۹۱۸، در شهر اومسک، شرکت کنندگان شورشهای ضد دیکتاتوری **کلچاک**، با خشونت خاصی به ضرب شمشیر قطعه- قطعه شدند و یا تیرباران گردیدند. ۲۲ دسامبر سال ۲۰۰۶، استاندار اومسک، آقای ل. **پولیژایوف**، فرمان بزرگداشت ابدی آ. و. **کلچاک** را امضاء کرد و وزارت فرهنگ استان را موظف نمود تا همین روزها مجسمه وی را بسازد. بی حیائی استاندار حد و مرز نمی شناسد، بویژه، در زمانی که هنوز فرزندان و نوه های آنهاى بوسیله دیکتاتور سرکوب شدند، زنده هستند.

پیش از صدور فرمان استاندار، **روزنامه های پولیژایوفی**، صفحات خود را با تعریفاتی از شایستگی آدمیرال، از بخشندگی های وی برای نیروهای دریائی، محققان قطبی و حتی، با توضیح و تشریح عشق بازیهای وی پر می کردند. با تمام توان، به عرش اعلی بلندش کردند، افکار عمومی را آماده نمودند...

چگونه می توان فاجعه **ماکروشین** و هزاران سیبریائی را فراموش کرد؟ مثلاً، در بخشی از نامه **آنا فنودورونا**، که به پوتین،

کودکان بی سرپرست. مقصر کیست؟

در قرن حاضر بیش از ۵ میلیارد انسان در سراسر جهان زندگی میکند. یک میلیارد از آنها در اروپای غربی و آمریکای شمالی سکونت دارند. هشتاد درصد آنها شاغل هستند، در آمد آنها امکان میدهد در رفاه زندگی کنند و با پوشش بیمه های اجتماعی دوران سالخوردگی را به آرامی سپری کنند. بیست درصد بقیه مردم کشورهای ثروتمند، هفتاد درصد ساکنین آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین با فقر درگیر هستند. حتی درآمد شاغلین این قاره ها برای تأمین زندگی کفایت نمی کند وضع زندگی اکثریت مردم غیر قابل تحمل است.

قهر طبیعت، (خشکسالی، زمین لرزه ها، طوفانهای دریائی، سیلابها) میلیونها انسان را با فجایع وحشتناک روبرو میسازد. هم زمان با این قبیل فجایع، خود انسان نیز فاجعه می آفریند. در کنار کاخهای سر بفلک کشیده کوخهای بی شماری «احداث» میشود انسانهای محروم زیر سقف آنها پناه میگیرند و بسیاری از این بخت برگشته ها به دخمه ها نیز دسترسی ندارند، مجبورند زیر آسمان کیود و سرمای جانسوز در کوچه ها شب را سحر کنند.

سالهای اخیر، بویژه در نخستین دهه سومین هزاره میلاد مسیح، سرنوشت کودکان بی سرپرست با ولگردی در کوچه، خیابان گره خورده است. کودکان کشورهای تازه به استقلال رسیده اتحاد شوروی سابق از « تیز» بینی رسانه های گروهی کنار نمانده است. تعداد کودکان بی سرپرست در روسیه ۴ میلیون، تنها در مسکو ۵۰ هزار تخمین زده میشود. در تهران و قاهره نیز این رقم به به ۲۵ - ۳۰ هزار نفری را تشکیل میدهد.

کودکانی که خانه ندارند در کوچه و خیابان روز را به شب،

شب را به روز میرسانند با گدائی شکم خود را سیر میکنند، تنها در خیابانها میخوابند و تعدادشان هر ماه و هر سال افزایش می یابد. شهروندان آینده کشور « خود» هستند. شهروندان با شکم سیر و با بی اعتنائی از کنار آنها میگذرند، با دیدن این صحنه دلخراش ناراحتی از خود نشان نمیدهند.

مسئولیت این شور بخت های فرزندان آدم و حوا کیست؟

این کودکان معصوم مرتکب چه گناهی شده اند که مستوجب این چنین مجازاتی میشوند.

جامعه و اداره کنندگان جوامع بشری مسئول این فجایع هستند.

از آن تاریخ که مالکیت بر منابع طبیعی (خدادادی) در دست گروه کوچک زورمندان متمرکز شد. بقیه انسانهای درجه دوم به برده، رعیت و کارگر مزدور تبدیل شدند، جامعه به قطب ثروت و فقر تقسیم شد.

در تمام جوامع طبقاتی، بویژه در جامعه سرمایه داری، کالا و از جمله نیروی کار برای فروش در بازار عرضه میشود.

بعد از دمونتاژ سوسیالیسم در شوروی و اروپای شرقی باندهای جنایتکار زنان و کودکان را مانند کالای زنده می فروشند و سود کلان به جیب می زنند. چنین است ماهیت جامعه سرمایه داری.

حافظ شعر لرینده مغان و آراز

حافظ بویوک هومانیت اولدیغی قدرده، بوتون خالقلارین و ملنلرین وطنداشی و دوستیدیر.

قدیم تاریخه مالک اولان مغان خزر دریاسی، قاراباغ، قاراداغ و طالیس داغلاريله احاطه اولوناراق گنیش بیر اراضی یه مالیکدیر. ان قدیم انسان مسکین لریندن بیر سییلان و دریا سوییه سیندن ۱۸۰ - ۲۰۰ متر هوندورلیکده اولان بو مکان، ایلین فصیلرینه مخصوص خوش اقلیم شرطینه مالک اولماقلا گنیش اوتلاقلارا، چمن لیکلره، برکتلی اکین تورپاقلارینا، حیواندارلیق و باغ - باغات ئوچون چوخ الوریشلی شرایطه مالیکدیر. جیران، بیلدیچین، سیغیرچین، اوردک و غاز بو تورپاغین دائمی ساکنلریدیر. آرپا، بوغدا، مرجی، نخود، کونجوت، سویا، آلم، آرمود، توت، گیله نار، زیتون، یئمیش، قارپیز، خیار، پامادور، بادامجان، اوزوم بو تورپاغین عوض اولونماز نعمتلریندن، داغلارین دوشونده، چای قیراغیندا و دوزنگاهلاردا بیتن « چوغان » اوتی ننه لریمیزین مین ایلر بویو انسانلارین گنیم و یاتاق پالتارلاری نین تمیزله بیجی و آغاردیجی کیمی استفاده ائتدیگی ان یاخشی واسطه دیر. طبیعی بیتن بویا رنگلی اوت، یارپاق، ذوق (کوک) و بعضی رنگلی بیجیبتکی لر بو تورپاقدان بیتیر. توخوناجاق اشیدان آسیلی اولاراق ساپ و ایپ لیکلرین رنگلنمه سینده گنیش استفاده اولونور. بو ایپ لردن مغان قیزلاری نین توخودیقلاری آل-الوان خالچا، کلیم، جه جیم و خورجونلار داخلی و بیر چوخ خارجی اولکه لرین موزئی لری نین ان گورکملی زینتلریندن ساییلیر.

غیرتلی و امک سئون مغان انسانلاری داخلی و خارجی چاپاولچیلارا، قولدورلارا و غارتچیلره قارشى همیشه ایگیدلیک و متانت گؤسترمه سیله یاخین و اوزاق ائلره معلومدور. مغانین بیله سوار شهری کمرک کچید منطقه سی، اولکه نی شرق و غرب، شمال و جنوب قونشولارلا علاقه یارادا بیله جک قابلیتینه مالک اولدیغو ئوچون، مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اهمیتی واردیر.

تورکیه مملکتینین « بنگول » (بین گول) داغلاری نین اتگیندن باشلایان آراز چایی تخمینا ۱۰۷۲ کیلومتر آخاری - مجراسیندا، گلیب مغاندا ساکنلشیر. نخچوان مختار جمهوری سینین اوردوباد - جلفا اراضی سینده نسبتا دوزنگاه دا آخان آراز داغلار، دره لر و سیدلیریملار آراسیلا آجیقلی و جوشغون آخاراق ئوز یورغونلیغو نو هله لیک مغاندا آلیر و راحت لانیر. تاریخ چیلر آذربایجان جمهوری سینین صابرآباد (قلعه قاین) شهری یاخنن لغندا آرازین کره (کوره) قوشدوغو بو یئر « مجمع البحرین » دئییرلر. روایتلره گوره الله بین امری ایله حضرت خضری آخاریب تاپماق اوچون اوزون مدتلی سفره چیخان موسی پیغمبر، همین بو سو قوشاغی یاخینلیغندا اونو تاپیر.

معلوم دؤورلرده، مملکته باشچیلیق ائندلرین فراصت سیزلیگی نتیجه سینده، بیزه تحمیل اولونموش « گلستان » و « ترکمنچای » مقاله لری، مغانی آراز چایی ایکی یره آبییر. آراز ایچمه لی سو منبعی کیمی ئوز آخاری بویونجا هم سرحد دؤلتلرین اکین یئرلری نین، باغچیلیق و حیواندارلیغینین ساخلانماسیندا چوخ بویوک اهمیته مالیکدیر.

ننه لریمیزین لای - لایلاریندا و بابالاریمیزین بایاتیلاریندا مقدس بیر قوه کیمی سسله نن ساوالان - مغان - آراز آدلارینا یئرلی جامعات بویوک حرمت و محبت گؤستریلن تاریخ، گؤستریر و ثبوت ائدیگی، بو انسانلار حقلی دیرلر.

میرینی عزیززاده، «تاریخ دشت مغان» دا (تهران ۱۲۸۴) یازیر: « در اسطوره ها و داستانهای باستانی، این منطقه از مهدهای تمدن و کانون بعثت انبیای الهی معرفی شده است. رود ارس و کوه سبلان از اماکن و مناطق مقدس به شمار رفته است. علاوه بر فرضیه بعثت زرتشت پیامبر باستانی ایرانیان، اصحاب رس نیز پیامبری به نام حنظله داشته و حتی بعضی از اندیشمندان مذهبی، تعداد پیامبران الهی را که در دوره زندگانی قوم «اصحاب رسی» از طرف خدا و برای دعوت مردم به خدا پرستی مبعوث شده اند. به ۳۱ رسانیده اند »

بنله لیکله آرخیولوقلارین تاپینتیلاری، تاریخی نمونه لردن الده ائدیلن سند و نتیجه لره آرخلانان تاریخ چیلر ساوالان مغان - آراز سحرنگاهلاریندا 6000 ایل بوندان قاباق انسان اوولادی نین یاشادیغی نی سویله یئرلر. گورونور گوزه ل طبیعتنه، برکتلی تورپاغا و صاف قلبلی انسانلارا و بو مکانین مقدس لیگینی بویوک حافظ یا گورموش و یاخود بیلیرمیش. حافظ دئیر:

ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس
بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس
منزل سلمی که بادش، هر دم از ما صد سلام
پر صدای ساربان بینی و آهنگ جرس
محمل جانان به بوس آنگه بزاری عرضه دار
کز فراقت سوختم ای مهربان فریاد رس.

آرازین آخیب گلدیگی ۱۰۰۰ کیلومتر دن آرتیق جغرافی - گیلوژی یولا نظر سالدیقا، آنجاق بو مقدس نعمت مغان دوزنلیکلرینده آزاد نفس آلاق بو سایاق ایله 150 کیلومتر آخاراق یوخاریدا گؤستریلن یرده - مکان دا « مجمع البحرین » - ی یارادیر.

حافظین شعرینده مغان و آراز

بیر چوخ تاریخی حادثه لرین شاهدی اولان بو یئردن یوخاری- آراز کناریله هر ایکی ساحلده 360 - دان آرتیق شهرین اولدیغینی تاریخ چیلر یازیرلار. سونرادان بو شهرلرین طبعی فلاکتدن داغیلدیغی نی گؤسترمه ین تاریخ چیلر بوتون شرایط اوزره، بو الویریشلی مکان دا داغیدجی محاربه لرین گتندیگینی گؤستریرلر. داغیلان و ویران قالان بو شهرلرین یئرینده خصوصیله پارس آباد شهری ایله اصلاندوز شهرجیگی آراسینداکی « اولتان » (وارثان) شهری نین قالیغی عظمتلی گؤرونور.

میربنی عزیززاده یازیر: « اگر امروزه حاشیه جنوبی رودخانه ارس در حوزه قلمرو شهرستان پارس آباد مغان و بخش خدا آفرین به دقت مورد بررسی قرارگیرد، وجود آثار تپه های باستانی و آبادی و شهرهای ویران شده جلب توجه خواهد کرد » (یئنه او کتابدا)

ایلك انسان مسكن لریندن بیر، مقدس لرین گؤروشدیویو یئر، قرآن کریم ده « آب حیات » بولاغی نین دنیلمه سی و حضرت خضر پیغمبرین بو بولاغدان « دائمی یاشار » سویب ایچمه سی و ویران قالان قدیم مغان شهرلری بویوک انسان اولان شاعر حافظی ده لاقید قالمغا قویمامیشدیر.

در خرابات مغان نور خدا میبینم

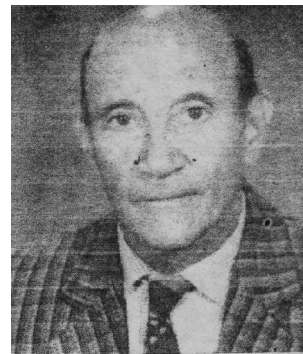
وین عجب بین که چه نوری ز کجا می بینم

حافظین شعرلری ایچریسینده، بوجور حرارت و محبتله یازیلان شعرلرین سایب چوخدور.

افسانه لرده، روایت ناغیلاردا و بیر چوخ قدیم و معاصر شاعرلرین شعرلرینده « پیر مغان » سوزینه مراجعت اولونور. گورن حافظین ده « نوری خدا » آدلاندیردیغی سوز حضرت خضره عائیذ دیرمی؟

اگر بو اشاره حضرت خضرى موسى، آوندا حضرت خضرى « پیر مغان » اولای بیلیرمی؟

بو گون تابع اولدیغی مرکز لرین گوزی و اورگی اولان، گنیش سینه سینده قان دامارلاری کیمی پارچالانان آرازیلله، زحمتکش انسانلاریله، « ابدی یاشار پیری » ایله و آرازین - کرفراقت سوختم- دنیین « حافظ » ی ایله گؤللی، چی چکلی و برکتلی مغان یاشاییر و جوانلاشیر.



تسلیت

در کمال تاسف اطلاع یافتیم اسماعیل شمس، مؤسس جمعیت آذربایجان، عضو فرقه دموکرات آذربایجان، سردبیر روزنامه های «آذربایجان» و «آزاد ملت» در تاریخ ۲۶ دیماه سال ۱۳۸۶ درگذشته است. بدینوسیله، فوت این شخصیت سیاسی و مطبوعاتی را به جامعه روزنامه نگاران، به اعضاء و هواداران فرقه دموکرات آذربایجان، مبارزان راه دموکراسی و آزادی ملی و به ویژه، به بازماندگان ایشان تسلیت میگوینم.

متاسفانه خبر فوت ایشان را در ساعاتی در یافت کردیم که، نشریه ما زیر چاپ بود. در شماره بعدی در مورد زندگی و فعالیت های ایشان به تفصیل سخن خواهیم گفت.

فرقه دموکرات آذربایجان

غفار کاوه (مغانلی)

